



سرگذشت دگرگونی آواهای زبان فارسی گویش‌ها، واژگان و ریشه‌شناسی



دکتر بهزاد معینی‌سام

سارا محمدی‌آوندی

گنجینه پژوهش‌های زبانی (۱)

آواشناسی - زبان فارسی

سرگذشت دگرگونی آواهای زبان فارسی

گویش‌ها، واژگان و ریشه‌شناسی



ناشر ایران شناسی و خاورشناسی

مرکز پخش: ایران، تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) کوچه مبین، شماره ۴، پخش ققنوس

www.avayekhavar.ir

khavar.pub@gmail.com

Telegram & Tel: (+98) 930 554 0308

Tel: (+98) 21 888 956 21

سرگذشت دگرگونی آواهای زبان فارسی

گویش ها، واژگان و ریشه شناسی

نویسنده: دکتر بهزاد معینی سام، سارا محمدی آوندی

ناشر: آوای خاور

ویراستار و صفحه آرا به ترتیب: انیس و سارا محمدی آوندی

طراح: محسن ابراهیمی

چاپ و صحافی: شهر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ نخست: زمستان ۱۴۰۱

ISBN: 978-600-9923-80-9

حق چاپ محفوظ و متعلق به نشر آوای خاور است. هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری بدون مجوز کتبی ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قایم، پیگیری است.



۳۴۰۰۰۰۰ ریال

سرگذشت دگرگونی آواهای زبان فارسی

گویش ها، واژگان و ریشه شناسی

دکتر بهزاد معینی سام

سارا محمدی آوندی

آوای خاور

تهران ۱۴۰۱



سرشناسه	:	معینی سام، بهزاد، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام	:	سرگذشت دگرگونی آواهای زبان فارسی (گویش ها، واژگان و ریشه شناسی) / نویسنده
پدیدآور	:	بهزاد معینی سام، سارا محمدی آوندی؛ ویراستار انیس محمدی آوندی.
مشخصات نشر	:	تهران: آوای خاور، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۲ ص.
فروست	:	گنجینه پژوهش های زبانی. آواشناسی - زبان فارسی؛ ۱.
شابک	:	978-600-9923-80-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فپا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۳۹۵ - ۲۶۸.
موضوع	:	فارسی -- آواشناسی Persian language -- Phonetics فارسی -- واج شناسی Persian language -- Phonology
شناسه افزوده	:	محمدی آوندی، سارا، ۱۳۶۰ -
رده بندی	:	۲۷۰.۲۳ PIR
کنگره	:	
رده بندی	:	۵/۱۱۴
دیویتی	:	
شماره کتابخانه ملی	:	۸۸۷۴۶۸۴
ملاحظات دیگر کتابخانه	:	فپا

.....پیشکش به مردمان میهن پرست ایذه، موزه روباز جهان

فهرست مطالب

- دیباچه نویسنده ۲۱

فصل یکم: پیشینه زبان فارسی

- سرگذشت زبان فارسی از هندواروپایی تا فارسی نو ۲۵

• هندواروپایی

- هندواروپایی، نیای آغازین زبان فارسی ۲۵

• هندوایرانی (آریه‌ای)

- هندوآیرانی (هندی باستان) ۴۱

- زبان‌های رومانی ۴۰

- ایرانی باستان ۴۳

• دوره باستان زبان‌های ایرانی

اوستا ۴۴

- فارسی باستان ۵۳

- مادی ۵۸

- پارتی ۶۱

- سکایی ۶۱

• دوره میانه زبان‌های ایرانی

- ایرانی میانه غربی ۶۶

- فارسی میانه پهلوی ۶۷

- ۶۹ - پارتی
- ۷۳ - فارسی میانه شرقی
- ۷۳ - سغدی
- ۷۶ - خوارزمی
- ۷۸ - بلخی
- ۸۳ - سکاایی (ختنی و تومشوقی)

• دوره نو

- ۸۵ - فارسی نو

فصل دوم: دگرگونی‌های آوایی در زبان‌های هندواروپایی

- ۱۱۷ - آواهای هندواروپایی
- ۱۱۸ - همخوان‌ها
- ۱۱۸ - بستواج‌های بیواک
- ۱۱۹ - بستواج‌های واکدار
- ۱۲۰ - بستواج‌های واکدار دمشی
- ۱۲۱ - نرمکامی‌های کامی شده
- ۱۲۲ - لبی نرمکامی
- ۱۲۴ - سایشی‌ها
- ۱۲۴ - طنین‌دارها
- ۱۲۵ - طنین‌دارهای خیشومی
- ۱۲۵ - روان و کناری
- ۱۲۷ - لغزشی (نیم واکه)
- ۱۲۷ - طنین‌دارهای هجایی
- ۱۳۲ - واکه‌ها
- ۱۳۳ - کوتاه
- ۱۳۳ - بلند
- ۱۳۵ - واکه‌های مرکب کوتاه
- ۱۳۷ - واکه‌های مرکب بلند

- ۱۳۸..... - حنجره‌ای‌ها
- ۱۴۵..... - تأثیرات همخوان‌های حنجره‌ای در هندواروپایی
- ۱۴۵..... - قوانین آوایی
- ۱۴۶..... - ریشه‌شناسی

فصل سوم: دگرگونی‌های آوایی در زبان‌های هندوایرانی

- ۱۶۳..... - فهرست واجی
- ۱۶۳..... - واکه‌ها
- ۱۶۶..... - همخوان‌ها
- ۱۶۶..... - طنین‌دارها
- ۱۶۸..... - بستواج‌ها
- ۱۷۰..... - بستواج‌های کامی
- ۱۷۱..... - سایشی
- ۱۷۱..... - حنجره‌ای
- ۱۷۵..... - خوشه‌های همخوان

فصل چهارم: دگرگونی‌های آوایی در ایرانی آغازین

- ۱۸۱..... - واج‌های ایرانی آغازین
- ۱۸۲..... - واکه‌ها
- ۱۸۴..... - همخوان‌ها
- ۱۸۴..... - خیشومی
- ۱۸۵..... - روان‌ها
- ۱۸۶..... - حنجره‌ای‌ها
- ۱۹۰..... - بستواج‌ها
- ۱۹۲..... - سایشی‌ها

- ۱۹۳..... - انسایشی‌ها
- ۱۹۵..... - صفیری‌ها

فصل پنجم: دگرگونی‌های آوایی در فارسی میانه

- ۲۰۷..... - همخوان‌ها
- ۲۰۷..... - بستواج‌ها
- ۲۱۱..... - سایشی
- ۲۱۵..... - سایشی، حنجرهای h
- ۲۲۰..... - خیشومی
- ۲۲۱..... - لرزان‌ها
- ۲۲۳..... - نیم‌واکه
- ۲۲۵..... - قلب
- ۲۲۵..... - واکه‌ها

فصل ششم: دگرگونی‌های آوایی در فارسی نو

بخش اول: واکه‌ها

• واکه a فارسی باستان (هنواریایی $*h_2e/ m/ ŋ$)

- ۲۳۷..... • واکه a فارسی باستان
- ۲۳۸..... - a فارسی باستان = a فارسی نو
- ۲۳۸..... - واکه a آغازین فارسی باستان = a فارسی نو
- ۲۳۹..... - حذف a میانی فارسی باستان
- ۲۴۲..... - a فارسی باستان = u فارسی نو
- ۲۴۳..... - a ارمنی = a و ā فارسی نو
- ۲۴۴..... - a فارسی باستان = i فارسی نو
- ۲۴۷..... - any فارسی باستان = in فارسی نو
- ۲۴۸..... - a فارسی باستان = ā فارسی نو

• واکه $\bar{a}$ فارسی باستان (هندواروپایی $*eh_1$)

- ۲۵۰..... - $\bar{a}$ فارسی باستان = $\bar{a}$ فارسی نو
- ۲۵۰..... - $\bar{a}$ فارسی باستان = a فارسی نو
- ۲۵۱..... - حذف $\bar{a}$ آغازین فارسی باستان
- ۲۵۱..... - $\bar{a}$ فارسی باستان = $\bar{u}$ فارسی نو

• واکه i فارسی باستان (هندواروپایی $*i$)

- ۲۵۲..... - i فارسی باستان = i فارسی نو
- ۲۵۲..... - حذف i میانی فارسی باستان در ترکیبات
- ۲۵۲..... - i فارسی باستان = a فارسی نو
- ۲۵۳..... - i فارسی باستان = $\bar{i}$ فارسی نو
- ۲۵۳..... - i فارسی باستان = u فارسی نو
- ۲۵۴..... - $\bar{i}$ فارسی باستان = $\bar{i}$ فارسی نو

• واکه u و $\bar{u}$ فارسی باستان (هندواروپایی $*u$ و $*uH$)

- ۲۵۴..... - u فارسی باستان = u فارسی نو
- ۲۵۴..... - حذف u آغازین فارسی باستان در فارسی نو
- ۲۵۵..... - u میانی فارسی باستان = a فارسی نو
- ۲۵۵..... - u میانی فارسی باستان = i فارسی نو
- ۲۵۵..... - u میانی فارسی باستان = $\bar{u}$ فارسی نو
- ۲۵۶..... - $u-\bar{s}$ فارسی باستان = $h\bar{o}-\bar{s}$ فارسی نو
- ۲۵۶..... - $\bar{u}$ فارسی باستان = $\bar{u}$ فارسی نو

بخش دوم: واکه‌های مرکب و نیم واکه‌ها

• ai فارسی باستان (هندواروپایی $*ei/ ay - h_1ei/h_2ei$)

- ۲۶۰..... - ai فارسی باستان = $\bar{e}$ فارسی نو
- ۲۶۱..... - ai فارسی باستان = $\bar{i}$ فارسی نو
- ۲۶۲..... - ai فارسی باستان = $\bar{e}$ فارسی نو

• au فارسی باستان ($oi/oy, h_3ei$)

- ۲۶۳..... - au فارسی باستان = $\bar{o}$ فارسی نو
- ۲۶۳..... - au فارسی باستان = $\bar{u}$ فارسی نو
- ۲۶۴..... - au فارسی باستان = u فارسی نو

• ɣ فارسی باستان

- ۲۶۴..... ɣ - فارسی باستان = ar و ɣr فارسی نو
- ۲۶۷..... ɣ - فارسی باستان = ɣr و ur فارسی نو
- ۲۶۷..... ar - ایرانی باستان = ar فارسی نو

• y فارسی باستان (هندواروپایی i)

- ۲۷۰..... y - فارسی باستان = y فارسی نو
- ۲۷۰..... y - آغازین فارسی باستان = y فارسی نو
- ۲۷۱..... y - حذف y فارسی باستان
- ۲۷۳..... y - فارسی باستان = zo پهلوی

• v فارسی باستان (هندواروپایی u)

- ۲۷۴..... v - فارسی باستان = b و g فارسی نو
- ۲۷۴..... v - فارسی باستان = b فارسی نو
- ۲۷۶..... v - فارسی باستان = g فارسی نو
- ۲۷۷..... va - فارسی باستان = ga فارسی باستان
- ۲۷۷..... va - فارسی باستان = gu فارسی نو
- ۲۷۸..... va - فارسی باستان = bu فارسی نو
- ۲۷۸..... vi - فارسی باستان = gi(u), bi(u) فارسی نو
- ۲۷۹..... va - فارسی باستان = bi و gu
- ۲۸۰..... v - آغازین فارسی باستان = v پهلوی و ارمنی
- ۲۸۰..... v - فارسی باستان = v پهلوی
- ۲۸۱..... vi - فارسی باستان = gu پازند
- ۲۸۳..... v - فارسی باستان = gu ارمنی
- ۲۸۳..... v - فارسی باستان = v فارسی نو
- ۲۸۴..... v - فارسی باستان = v فارسی نو
- ۲۸۵..... - حذف و اضافه کردن v

بخش سوم: همخوان‌ها

• p فارسی باستان

- ۲۹۱..... p - آغازین فارسی باستان = p فارسی نو

- ۲۹۱..... p - فارسی باستان = v فارسی نو
- ۲۹۲..... p - فارسی باستان = v و b فارسی نو
- ۲۹۲..... p - فارسی باستان = b فارسی نو
- ۲۹۳..... p - فارسی باستان = p فارسی نو
- ۲۹۳..... p - فارسی باستان = b فارسی نو
- ۲۹۴..... p - فارسی باستان = p فارسی نو
- ۲۹۴..... p - فارسی باستان = p ارمنی
- ۲۹۵..... - نتیجه گیری

• b فارسی باستان

- ۲۹۶..... b - آغازین فارسی باستان = b فارسی نو
- ۲۹۷..... b - فارسی باستان = b و v فارسی باستان
- ۲۹۸..... w - فارسی باستان = v فارسی نو
- ۲۹۸..... b - فارسی باستان = w و f فارسی نو
- ۲۹۸..... - نتیجه گیری
- ۲۹۹..... - حذف b (=w) فارسی باستان در فارسی نو

• t فارسی باستان

- ۲۹۹..... t - فارسی باستان = t فارسی نو
- ۳۰۰..... t - فارسی باستان = d فارسی نو
- ۳۰۱..... t - فارسی باستان = حذف یا i=y فارسی نو
- ۳۰۲..... t - فارسی باستان = i = y فارسی نو
- ۳۰۴..... pati - در ترکیبات
- ۳۰۵..... - حذف t فارسی باستان
- ۳۰۶..... rt - فارسی باستان = rd فارسی نو
- ۳۰۷..... rt - فارسی باستان = št فارسی نو

• d فارسی باستان

- ۳۰۸..... d - فارسی باستان = d فارسی نو
- ۳۰۸..... d - فارسی باستان = h و i = y فارسی نو
- ۳۱۰..... - زمان تبدیل δ فارسی باستان به h و y فارسی نو
- ۳۱۱..... - حذف δ فارسی باستان

• k فارسی باستان

- ۳۱۳..... - k آغازین فارسی باستان = k فارسی نو
- ۳۱۳..... - k فارسی باستان = g فارسی نو
- ۳۱۴..... - k پایانی پسوندها در پهلوی
- ۳۱۵..... - k پایانی در پهلوی
- ۳۱۶..... - k پایانی پسوندها در پهلوی

• g فارسی باستان

- ۳۲۲..... - g آغازین فارسی باستان = g فارسی نو
- ۳۲۳..... - g فارسی باستان = γ فارسی نو
- ۳۲۳..... - g فارسی باستان = v فارسی نو
- ۳۲۳..... - g فارسی باستان = y فارسی نو
- ۳۲۴..... - g فارسی باستان = h فارسی نو
- ۳۲۴..... - حذف g فارسی باستان در ترکیبات

• x فارسی باستان

- ۳۲۵..... - x فارسی باستان = X فارسی نو
- ۳۲۵..... - xt فارسی باستان = ft فارسی نو
- ۳۲۶..... - x فارسی باستان = X ارمنی

• f فارسی باستان

- ۳۲۶..... - f فارسی باستان = h و f فارسی نو
- ۳۲۷..... - f فارسی باستان = f فارسی نو
- ۳۳۰..... - f فارسی باستان در ارمنی

• θ فارسی باستان

- ۳۳۲..... - θ فارسی باستان = h فارسی نو
- ۳۳۳..... - θr فارسی باستان = s و hr فارسی نو
- ۳۳۵..... - θr فارسی باستان = hl فارسی نو

• θ و s فارسی باستان

- ۳۳۷..... - kh, k/ kh, k هندواروپایی = s ایرانی باستان
- ۳۳۷..... - θ فارسی باستان = s فارسی نو
- ۳۳۸..... - θ فارسی باستان = h فارسی نو

- ۳۳۹..... - S فارسی باستان = S فارسی نو
- ۳۴۰..... - S فارسی باستان = S فارسی نو
- ۳۴۰..... - rs فارسی باستان = hl فارسی نو
- ۳۴۱..... - S فارسی باستان = S فارسی نو

• h و s فارسی باستان

- ۳۴۳..... - h آغازین فارسی باستان = h فارسی نو
- ۳۴۳..... - h فارسی باستان = X فارسی نو
- ۳۴۴..... - حذف h آغازین فارسی باستان در فارسی نو
- ۳۴۷..... - uv فارسی باستان = X فارسی نو
- ۳۴۸..... - S هندواروپایی پیش و بعد از همخوان ها

• z و d فارسی باستان

- ۳۴۹..... - d فارسی باستان = d فارسی نو
- ۳۵۰..... - Z فارسی باستان = Z فارسی نو
- ۳۵۱..... - Z ایران باستان پیش و بعد از همخوان ها

• č فارسی باستان

- ۳۵۳..... - č فارسی باستان = č, z, ž و ز فارسی نو
- ۳۵۴..... - آغازین فارسی باستان = č فارسی نو
- ۳۵۵..... - č فارسی باستان = ž فارسی نو
- ۳۵۵..... - č فارسی باستان = Z, ž, ž فارسی نو
- ۳۵۶..... - č فارسی باستان = Z, ž, ž فارسی نو

• ž و ȝ فارسی باستان

- ۳۵۶..... - ž و ȝ فارسی باستان = ž و Z فارسی نو
- ۳۵۷..... - ž فارسی باستان = Z و ž فارسی نو
- ۳۵۸..... - ž آغازین فارسی باستان = ž, Z فارسی نو
- ۳۵۹..... - ž, ȝ فارسی باستان = ž, Z فارسی نو
- ۳۶۰..... - ž در وام واژگان ارمنی
- ۳۶۰..... - ž بعد از n در زبان ارمنی

• š فارسی باستان

- ۳۶۱..... - š فارسی باستان = š فارسی نو

- ۳۶۱..... xš - فارسی باستان = š و xš فارسی نو.....
- ۳۶۲..... kš - فارسی باستان = š فارسی نو.....
- ۳۶۲..... ps - هندواروپایی = fš فارسی باستان = š و fš فارسی نو.....
- ۳۶۳..... p^k kš/ p^k kš - هندواروپایی = fš اوستایی = š فارسی نو، š فارسی و ایرانی باستان = š فارسی نو.....
- ۳۶۳..... st و št.....
- ۳۶۳..... kš - هندواروپایی = fš اوستایی = š فارسی نو.....
- ۳۶۴..... st و kt/kt - هندواروپایی = št فارسی و ایرانی باستان = š فارسی نو.....
- ۳۶۴..... ḡn و ḡn^h - هندواروپایی = šn فارسی باستان.....
- ۳۶۵..... čy - ایران باستان = šy فارسی باستان = š فارسی نو.....

• m فارسی باستان

- ۳۶۶..... m - فارسی باستان = m فارسی نو.....
- ۳۶۷..... m - هندواروپایی = n فارسی نو.....
- ۳۶۸..... nb - پایانی = m فارسی نو.....
- ۳۶۹..... m - در ترکیبات.....

• n فارسی باستان

- ۳۷۰..... n - فارسی باستان = n فارسی نو.....
- ۳۷۰..... - تغییرات n در ترکیبات.....
- ۳۷۱..... - جایگزینی m با n در پایان واژه.....

• r فارسی باستان

- ۳۷۲..... r - فارسی باستان = r فارسی نو.....
- ۳۷۲..... r - در ترکیبات.....
- ۳۷۳..... rd - فارسی باستان = l فارسی نو.....
- ۳۷۴..... rš - فارسی باستان = š فارسی نو.....
- ۳۷۵..... - تغییر نکردن r در ترکیبات.....

• l فارسی نو

- ۳۷۶..... - فقدان l در اوستا و فارسی باستان جز اسامی بیگانه.....

• فرایندهای آوایی

- ۳۷۸..... - کوتاه شدگی.....
- ۳۷۸..... - کوتاه شدن y میانی.....

- کوتاه شدن ۷ میانی ۳۷۹
- کوتاه شدن b فارسی باستان ۳۸۰

• پیش‌هشت و میان‌هشت واکه‌ای

- پیش‌هشت و میان‌هشت در فارسی نو ۳۸۲
- گروه آغازین واکه + دو همخوان ۳۸۳
- پیش‌هشت و میان‌هشت در فارسی باستان ۳۸۴
- میان‌هشت u ۳۸۵

• پیش‌هشت همخوانی

- پیش‌هشت h ۳۸۶
- پیش‌هشت X ۳۸۶

• قلب همخوان‌ها

- قلب و zg, mr, zr, sr, fr, xr ۳۸۷

• حذف هجای آغازین

- حذف هجای آغازین ۳۸۹

• ادغام

- ادغام hr یا θr فارسی باستان به r فارسی نو ۳۸۹

آواها و نشانه‌ها

* = در سمت چپ بالایی واژه دال بر واژه بازسازی شده

< = تحول یافته به

> = مشتق و گرفته شده از

- = در بالایی واکه = ماکرون که دال بر بلند یا کشیده بودن واکه است، همچون ā = آ

˘ = هچک در واج‌هایی چون ɕ=چ، ʒ=ژ، ʃ=ش

x = خ

h = خ در متون میانرودانی

β = در یونانی "و"

γ = غ

ð = ذ میان دندانی همچون then انگلیسی

θ = ث میان دندانی همچون think انگلیسی

ø = صفر یا بدون شناسه

y = ii

w = uu

y = i

w = u

◌ = در زیر واج، دال بر واکنار بودن

˜ = غُنه‌ای یا خیشومی بودن واج

ديباچه نويسنده

دییاجه نویسنده

فارسی نو دنباله فارسی میانه ساسانی است و فارسی میانه تحول یافته فارسی باستان هخامنشی است؛ فارسی باستان هم دنباله زبان ایرانی باستان و آریایی است و زبان ایرانی باستان و آریایی یکی از شاخه های زبان هندواروپایی است.

زبان شناسان توانسته اند آواهای زبان های هندواروپایی و هندوایرانی را در طی چند سده بازسازی کنند و بسیاری از زبان شناسان امروزی با مطرح شدن نظریه فردیناند دوسوسور درباره حنجره های ها کار را برپایه نظریه او دنبال می کنند. تحولات آوایی زبان فارسی هم یکی از ویژگی های زبان فارسی است که در آغاز تنها در لهجه ایالت پارس (فارسی باستان pārsa)، آن هم شاید تنها در بخشی از این ایالت وجود داشت؛ گویش ایالتی پارسیان، بعدها تحت تأثیر شاهنشاهی هخامنشی به زبان حکومتی مبدل شد (این فرایند درباره زبان پهلوی در دوره ساسانیان و زبان فارسی نو در دوره قاجار صدق می کند که زبان سیاسی شد)، و با گسترش مرزهای امپراتوری، از دیگر زبان های ایرانی نیز (همچون فارسی میانه و نو) تأثیر پذیرفت. احتمالاً بیشترین تأثیر را از زبان مادی پذیرفته است؛ چرا که هخامنشیان وارث تمدن ماد و تحت تأثیر فرهنگ آنان بوده اند. هخامنشیان از نظام لشکری، درباری و دولتی مادها تأثیر پذیرفته بودند آنان حتی لباس سپاهیان مادی را هم تقلید کردند. بنابراین، هخامنشیان از نظر زبانی هم تحت تأثیر مادها قرار گرفتند؛ چرا که این دو زبان پیوند خویشاوندی نزدیکی با هم داشتند.

از نظر آوایی، تفاوت پهلوی مقدم با فارسی باستان در حذف هجای پایانی (واکه پایانی + همخوان) است. صرف اسمی فارسی باستان، در پهلوی به استثنای موارد نادری از بین می رود. خوشه θr فارسی باستان هم که در پهلوی مقدم tr نوشته و θr تلفظ می شده به hr و انسدادی بعد از خیشومی ها، به میانی مبدل شد. دیگر تغییرات آوایی فارسی میانه، در اواخر دوره ساسانی از نظر آوایی تنها کمی با فارسی نو تفاوت دارد که در آواشناسی از آن بحث خواهد شد. خط پهلوی که زبان نوشتاری سلسله اشکانیان و ساسانیان بوده، املا

تاریخی داشته است؛ املائی تاریخی بدین معنی است که برخی واژه‌ها، به گونه تلفظ صد سال قبل‌شان نوشته می‌شده‌اند. نکته قابل توجه در کتب پهلوی (ساسانی و بعد از آن) این است که حروف، بعد از دوره اشکانی متقدم در ساسانی و فارسی نو به هم متصل می‌گردند، اما از نظر زبانی جدا از هم تلفظ می‌شوند. چنین پنداشته می‌شود که در کتب پهلوی، املائی تاریخی واژه‌های پهلوی متقدم مانند زمان پارت‌ها تلفظ می‌شده است، اما از واژه‌های متأخر موجود در کتب، باید با عنوان پهلوی یاد کرد. در طی این دوره صد ساله، در زبان پهلوی تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود گذشته از آن، علت کاربرد خط لاتین در نگارش واژه‌های پهلوی (آوانگاری)، نشان دادن رفع نواقص الفبای پهلوی و شکل درست متقدم آن است.

پازند (همراه با اشتباهاتی) تبدیل پهلوی نوشتاری به فارسی نو متقدم (با حروف زند اوستا)، و اصیل است که در آن واکه a آغاز واژه تغییر نمی‌کند، واج آغازین v به b بدل نمی‌شود، بلکه گهگاه به g تغییر می‌کند، حروف اضافه ba و bad به شکل متقدم pa , pad آمده، علامت نفی به شکل nē و برخی واژه‌ها به شکل متقدم می‌آیند؛ بنابراین، پازند بلی بین فارسی میانه و فارسی نو است.

فارسی میانه در سیر تحولی خود از دیگر زبان‌های بیگانه، واژه‌هایی اندکی را اقتباس کرده است؛ در این میان، بیشترین وام‌واژه‌ها را از آرامی، شماری واژه به طور غیر مستقیم از یونانی (لاتین)، شمار کمی از یونانی و اندک واژه‌ای هم از هندی گرفته است؛ البته، تحت تأثیر مذهب پارسیان از زند هم شماری واژه را پذیرفته است.

فارسی نو، زبان نوشتاری و محاوره‌ای ایرانیان مسلمان است که در آخرین هزاره مرسوم شده، بدین لحاظ از زبان‌های متقدم، به‌ویژه از زبان عربی که با آن اشتراکی ندارد، و مربوط به خانواده سامی است، واژه‌های بسیاری وام گرفته، و از نظر آوایی هم طی این مدت، تغییرات اندکی در آن صورت گرفته است؛ برای نمونه، واج δ (در فارسی باستان و پهلوی = t) که در دست‌نویس‌های قدیمی بعد از همخوان‌های واکدار می‌آید، بعدها به d تبدیل می‌شود. در زمان‌های متأخر هم واکه‌های ē, o به ī, ū تغییر شکل داده‌اند.

این کتاب، برای آشنایی خواننده با تاریخ زبان فارسی، نخست به پیشینه زبان فارسی پرداخته و سپس، تحول آواهای زبان فارسی از آغاز، یعنی دوران هندواروپایی و آریه‌ای و سپس از ایرانی باستان تا فارسی نو در شش فصل آمده است. در تحول آواهای زبان فارسی در هر دوره هم استناد به واژه‌های باستانی و هم گویش‌های امروزی شده است. همچنین، در زمینه ریشه‌شناسی بیشتر بر نظریه حنجره‌ای تکیه شده و در کنار آن به ریشه‌شناسی‌های قدیم هم اشاره شده است.

بهزاد معینی سام، سارا محمدی اوندی ۱۴۰۱

فصل یکم
پیشینه زبان فارسی

پیشینه زبان فارسی هندواروپایی: نیای آغازین زبان فارسی

هندواروپایی نامی است که به لحاظ جغرافیایی به خانواده زبانی گسترده‌ای داده شده که دربردارنده‌ی زبان‌های اروپا در گذشته و حال، تا منطقه وسیع ایران و افغانستان و شمال شبه قاره هند است. با گسترش مستعمرات و کشف قاره‌ها (قاره آمریکا و اقیانوسیه) زبان‌های این خانواده گسترش بیشتری یافته است.^۱ این شاخه روی هم رفته، دربردارنده ۱۲ شاخه بزرگ (سلتی، ژرمنی، ایتالی، بالتی، اسلاوی، آلبانی، یونانی، آناتولی، ارمنی، هندوآریان، ایرانی، تخری) و شماری زبان‌هایی که از دوره باستانی آنان شواهد اندکی در دسترس می‌باشد.^۲ پژوهش‌های تاریخی، جغرافیایی، و زبان‌شناسی اشاره به این دارد که جوامعی همگون در اوراسیا زندگی می‌کردند که به زبان هندواروپایی آغازین سخن می‌گفتند و حدود ۴ هزار پ.م، از یکدیگر جدا شدند. برخی این جوامع را با دارندگان فرهنگ کورگان یا تبر-جنگی دریای سیاه و قفقاز در غرب اورال برابر می‌دانند.^۳ وست^۱ و شمار بیشتری از صاحب‌نظران بر پایهٔ آثار باستان‌شناسی مکشوفه زیستگاه هندواروپاییان آغازین را در استپ‌های شمال دریای سیاه و کاسپین یا منطقه پونت و کاسپی می‌دانند.^۴

اما کاربرد و رواج یافتن اصطلاح هندواروپایی چنین است که کار بر روی خانواده زبانی هندواروپایی با کشف کهن‌ترین زبان شبه قاره هند، یعنی سنسکریت آغاز شد که با زبان‌های اروپایی پیوند داشت؛^۵ بدین شکل که تا اواخر سده شانزدهم میلادی، مبلغان مسیحی شروع به کار کردن در مورد زبان‌های اروپایی کردند و در نامه‌های خود به شباهت‌های بین زبان سنسکریت و زبان‌های کلاسیک اروپا اشاره داشتند.^۶ در واقع، این واسکو دوگاما بود که در سال ۱۴۹۸ میلادی مسیر تجاری به هند را کشف و اندکی پس از آن اروپاییان شروع به منزل گزیدن در شبه قاره کردند. در همان زمان، آنان درباره سنسکریت، زبان مقدس هندیان مطالبی شنیدند که در موارد بسیاری با زبان لاتین در اروپای عصر میانه شباهت داشت.^۷ از این میان، فلیپو ساسیتی، بازرگان فلورانس، نخستین فرد اروپایی بود که به شبه قاره هند سفر کرد و به مطالعهٔ زبان

هندی باستان، یعنی سنسکریت پرداخت. او در سال ۱۵۸۵ در نوشته‌هایش به شباهت‌های بین زبان سنسکریت و ایتالیایی مانند devo/dio= خدا؛ sarpa/serpa= مار؛ sapta/seete= هفت؛ ashta/otto= هشت؛ nava/nove= نه، اشاره کرد که این خود سرآغازی برای کشف دیگر زبان‌های هندواروپایی بود. به دنبال آن، اولین مبحث در مورد اصل مشترک تعدادی از این زبان‌ها را زبان‌شناس هلندی، مارکوس زوئریوس فان بوخ هورن در سال ۱۶۴۷ ارائه داد. او به شباهت‌های میان زبان‌های هندواروپایی پی برد و منشأ مشترک زبان آغازین را اسکیتی نامید که زبان‌های هلندی، یونانی، لاتین، ایرانی، آلمانی و سپس اسلاوی را شامل می‌شد. در هر حال، به فرضیه او توجه نشد و مورد پیگیری قرار نگرفت. در سال ۱۶۸۶ زبان‌شناس آلمانی، آندراس یگر در مورد زبان‌های هندواروپایی باستان، نوشته‌ای ارائه داد و منشأ باستانی این زبان‌ها را که از قفقاز گسترش یافته و از آن زبان‌های لاتین، یونانی، اسلاوی، اسکیتی (یعنی ایرانی) و سلتی (یا سلت و ژرمنی) مشتق شده است، اسکیتی-سلتی نامید.^۸

سیر ویلیام جونز، این فرضیه را دوباره در سال ۱۷۶۸ میلادی پیگیری کرد و برای اولین بار به شباهت‌های میان چهار زبان باستان لاتین، یونانی، سنسکریت و ایرانی اشاره کرد: "زبان سنسکریت با توجه به قدمتش ساختاری عالی و کامل‌تر از یونانی و مفصل‌تر از لاتین و طبیعی لطیف‌تر از آندو و به لحاظ پیوستگی هم در ریشه‌های فعلی و اشکال گرامری کامل‌تر از این دو زبان است. این ویژگی‌ها آن چنان قوی است که هیچ زبان‌شناس نمی‌تواند زبان‌های این خانواده را بدون معتقد شدن به اصلی مشترک که دیگر وجود ندارد، بررسی کند. بنابراین، دیگر شکی باقی نمی‌ماند که وجود این شباهت‌ها اگر هم کاملاً قانع کننده نباشد، می‌تواند به این فرض منجر شود که دو زبان گوتی و سلتی با وجودی که اختلافاتی با هم دارند، اصلی مشترک با سنسکریت دارند. همچنین زبان فارسی باستان را می‌توانیم به این خانواده اضافه کنیم".^۹ در سال ۱۷۶۸ هم گاستون کوردو (۱۶۹۱-۱۷۷۷ میلادی) شواهدی به آکادمی فرانسه ارائه داد که نشان می‌داد سنسکریت، لاتین و یونانی با یکدیگر شباهت‌هایی دارند و احتمالاً دارای منشأ مشترکی هستند.^{۱۰}

پس از آن، در محدوده زمانی سده ۱۷ و ۱۸ دو زبان‌شناس بزرگ با تخصص تطبیقی، راسموس راسک (۱۷۳۲-۱۸۳۲ میلادی) و فرانتس بوپ (۱۷۹۱-۱۸۶۸ میلادی) در دستور زبان‌های تطبیقی به مطالعه بین زبان‌های سنسکریت، ایرانی، یونانی، لاتین، ژرمنی، بالتی، اسلاوی، آلبانی و سلتی پرداختند. برای نمونه، زمانیکه به ارتباط بین زبان اوستایی و سنسکریت اشاره شد، شباهت بین این دو آن چنان بود که زبان اوستایی را یکی از گویش‌های زبان سنسکریت پنداشتند، اما بوپ در سال ۱۸۲۶ یادآور شد که اوستا با سنسکریت تنها خویشاوند است و از آن منشعب نشده است. همچنین، او نشان داد که فارسی نو یک منشأ آغازینی داشته است. زبان سلتی که ویژگی‌های مشترک بسیاری با دیگر زبان‌های هندواروپایی دارد، سندی به زبان کلاسیک از آن یافت نشده است و نیاز به پژوهش بیشتری در زمینه زبان‌های هندواروپایی داشت. زبان آلبانی واژه‌های بسیاری از زبان لاتین، یونانی، اسلاوی و ترکی وام گرفته است و برای پی بردن به واژگان اصلی هندواروپایی آن به عنوان یک زبان مستقل، نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد پس از پی بردن

به این نه زبان از شاخه هندواروپایی، مطالعات پیچیده‌تر شد. زبان ارمنی یکی دیگر از زبان‌های بزرگ هندواروپایی بود که مورد بررسی قرار گرفت. راسک، نخست این زبان را به عنوان یک زبان مستقل از شاخه هندواروپایی دانست، اما پس از اندی، تغییر عقیده داد و همچون دانشمندان بسیاری، آن را گونه‌ای از زبان ایرانی دانست. علت این نگرش نادرست این بود که زبان ارمنی واژه‌های بسیاری از زبان ایرانی وام گرفته است.

دو زبانی که در آخر مورد پژوهش قرار گرفت، بواسطه تحقیقات باستانشناسی در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم بود. هیأت‌های اکتشافی غربی در واحه‌های جاده ابریشم در زینجیانگ، غربی‌ترین ایالت چین، دست‌نوشته‌های بسیاری در نخستین دهه‌های سده بیستم پیدا کردند. بسیاری از آنان به زبان‌های هندی و ایرانی نوشته شده بود، اما آثاری از زبان دیگری وجود داشت که اکنون به نام تُخاری خوانده می‌شود و تا سال ۱۹۰۸ به عنوان یک زبان مستقل از شاخه هندواروپایی شناخته شد. در طی کاوش‌های باستانشناسی در آنتولی هم، الواحی یافت شد که در اوایل ۱۹۰۲ میلادی به هندواروپایی منتسب شد و آن زبان هیتی بود که به شاخه هندواروپایی تعلق داشت.

دیگر زبان‌های هندواروپایی، دست‌نوشته‌های کمتری داشتند و به یونانی و دیگر زبان‌ها نوشته شده بودند و یا جاینام و نام شخصی بودند که در درون خانواده هندواروپایی جای گرفتند. شاخه‌های مهم این گروه لوستانی در ایبری، ویتی و مسایی در ایتالیا، ایلیری در غرب بالکان، داسی و تراکی در شرق بالکان و فریجی در آنتولی مرکزی هستند. گستره این اقوام را می‌توان از آتلانتیک تا غرب چین و شرق هند؛ از جنوب شمالی‌ترین ناحیه اسکاندیناوی تا مدیترانه و اقیانوس هند دانست.

اصطلاح هندواروپایی را هم که اکنون در ادبیات انگلیسی رایج است، دانشمند انگلیسی سِر توماس یانگ در سال ۱۸۱۳ میلادی به کار برد؛ هر چند که هنوز، عقیده همگان در مورد نامگذاری خانواده زبان‌های هندواروپایی نبوده است. نام‌های دیگری که برای نامگذاری این خانواده پیشنهاد کرده‌اند، بدین قرار است: کونارد مالت-برون، این خانواده زبانی را در سال ۱۸۱۰ میلادی هندوزرمن نامید؛ زیرا از هند در شرق تا ایسلند، شرقی‌ترین بخش اروپا که از زبان‌های خانواده ژرمنی است، امتداد داشت^{۱۱}؛ هندواروپایی (توماس یانگ، میلادی ۱۸۱۳)؛ یافنی (راسموسک راسک، ۱۸۱۵ میلادی)؛ هندوتوتی (ف. اشمیت تیر، ۱۸۲۶ میلادی)؛ سنسکریتی (ویلهم فون همبولد ۱۸۲۷ میلادی)؛ هندوستلی (آ.ف. پوت، ۱۸۴۰ میلادی)؛ آریوارویی (جی.ای. اسکولی، ۱۸۵۴ میلادی)؛ آریان (ف.م. مولر)؛ آریه‌ای (ه.شاوله، ۱۸۶۷ میلادی).

در انگلیسی، اصطلاح هندوزرمن را ج. س. پیچارد به کار برد؛ هرچند که او بعدها ترجیح داد، اصطلاح هندواروپایی را به کار ببرد. در فرانسه، اصطلاح هندواروپایی را آ. پیکت، در سال ۱۸۳۶ میلادی به کار برد. در ادبیات آلمانی، اصطلاح هندواروپایی را فرانتس بوب در سال ۱۸۳۵ میلادی به نیت اینکه هر دو شاخه جنوبی و شمالی این خانواده را در بر می‌گیرد، به کار برد^{۱۲}.

از میان نظریات درباره خانواده هندواروپایی می‌توان از نظریات زیر نام برد:

دیدگاه سنتی اولین دیدگاه در آغاز پژوهش‌های هندواروپایی یا هندوژرمن، استفاده از دستور زبان تطبیقی است که می‌توان با آن زبان هندواروپایی باستان را به عنوان زبانی واحد بازسازی کرد؛ این موضوع برای راسک، فرانتس بوب و دیگر عالمان این زبان، پژوهشی در مورد زبان هندواروپایی بود که در مکانی (بین اروپا یا آسیا) و در یک مقطع زمانی (بین ده هزار تا چهار هزار سال پیش) به کار می‌رفت و منجر به پیدایش زبان‌هایی شد که از آنان نیز گویش‌های گوناگونی پدید آمدند.

نظریه تبار درختی یا شجره‌نامه درختی روشن می‌کند که زبان‌ها مانند شاخه‌های درخت به زبان‌های دیگر منشعب شده‌اند. این نظریه مبتنی بر این اصل است که زبان همچون درخت دارای یک ریشه و به مرور زمان از آن شاخه‌های متعددی منشعب می‌شود.^{۱۳}

سنتیم و سنتوم، یک نظریه معروف قدیمی در مورد زبان‌های هندواروپایی است که در آن هندواروپاییان آغازین را به دو گروه شرقی و غربی گروه بندی می‌کنند: گروه هندواروپاییان شرقی که در گفتارشان شماری آواهای چاکنایی یا حلقوی اصلی به کامی تبدیل می‌شوند و سپس این کامی‌ها در برخی موارد تبدیل به واجی سایشی می‌گردند؛ و گروه هندواروپاییان غربی که در آن آواهای چاکنایی اصلی یا ویژگی خودشان را حفظ می‌کنند و یا در شماری موارد دگردیس‌هایی در آنان پدید می‌آید. این دو گویش بزرگ هندواروپایی بعدها موسوم به گروه زبان‌های کامی شده یا ستم Satem^{۱۴}، و گروه زبان‌هایی که چاکنایی بدون تغییر باقی می‌مانند و سنتوم Centum نامیده می‌شوند.^{۱۵}

تقسیم به دو گروه سنتوم و ستم یکی از قدیمی‌ترین تفاوت‌های آوایی شناخته شده در زبان هندواروپایی است که اختلافات نحوی و ساختاری را در بر نمی‌گیرد. این ویژگی مبتنی بر مقایسه واژگانی از عدد صد هندواروپایی kṛtóm (احتمالاً شکل اولیه dkṛtóm از dékm = ده) است که در هندی باستان satám، اوستایی satəm، لیتوانی imtasš، یونانی ekaton، لاتین centum، گوتی hund، ایرلندی باستان cet می‌شود. کامی k واژه kṛtóm در خانواده ستم چون هندوایرانی به سایشی s تبدیل می‌شود.

از گروه سنتوم؛ زبان‌های ژرمنی آغازین، ایتالی آغازین، سلتی آغازین و غیره منشعب شده و از گروه ستم؛ بالتی-اسلاوی آغازین و هند و ایرانی آغازین منشعب شده است و هر یک از این دو گروه، زبان‌های امروزی ژرمنی، رومانس، سلتی، بالتی و هند و ایرانی را پدید آورده‌اند.^{۱۶} البته، به لحاظ جغرافیایی تقسیم آنان به شرقی و غربی میسر نیست؛ چرا که زبان تَخاری که در دورترین نقطه شرقی این خانواده در مرز چین قرار گرفته، با گروه سنتوم همخوانی دارد و به لحاظ زبانی با زبان‌های سنتوم یا غربی مرتبط است.

نظریه موجی را ج. اشمیت ارائه داده است که یک زبان از زبان دیگر در اثر خلق نوآوری‌ها شبیه امواج آبی پدید می‌آید که به سنگی برخورد می‌کند. رویه‌ای که منجر به بسط این نوآوری‌ها می‌شود مرز همگویی

^۱ هندواروپایی kṛtóm در لاتین به centum، در انگلیسی cent و century = عدد صد ۱۰۰ و سده، تبدیل شده و در فارسی باستان sata = صد (۱۰۰) و در فارسی نو sad = صد (۱۰۰)، شده است.

نام دارد. شباهت و نزدیکی خط مرزهای متفاوت، دال بر وجود زبان یا گویشی جدید است. چنین نظریه‌ای مبتنی بر فرضیه‌ای است که در آن یک زبان آغازین و مشترک وجود داشت که همه ویژگی‌های زبان‌های هندواروپایی را در بر می‌گیرد.^۶

گویش شمالی و جنوبی تقسیم‌بندی دیگری است که مربوط به تحول گویشی می‌شود. مطابق این نظریه، هندواروپایی متأخر حداقل به دو گویش اصلی شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. در مورد گویش شمالی اصطلاح شمال غربی یا اروپایی را نیز می‌توان در نوشته‌های علمی یافت، اما ما در اینجا فقط اصطلاح گویش‌های شمالی را به کار می‌بریم که تخاری را نیز در بر می‌گیرد. گروه گویش‌های جنوبی شامل هندوآریان، ایرانی و گویش‌های نورستانی هستند. البته، این اصطلاح برای نامیدن همه گویش‌های جنوبی آسیا نیست؛ گویش‌های غیر طبقه‌بندی شده دیگری مانند کیمری و سکایی یا سرمتی است که مربوط به گویش‌های جنوبی در آسیای باستان هستند و به گویش‌های ایرانی منسوب هستند و جزء شاخه جنوبی مستقل نیستند.^۷

تا آنجا که ما می‌دانیم در حالی که گویشوران جنوبی، مانند یونانی آغازین، هندوایرانی آغازین و احتمالاً ارمنی آغازین در جهات مختلف پراکنده شدند، برخی گویشوران شمالی هنوز ارتباط کمی با اروپا داشتند و گروه دیگرشان که تخاری‌ها بودند در آسیا پراکنده شدند. گویشوران شمالی اروپا شامل ژرمنی، سلتی باستان و گویش‌های آغازین بالت-اسلاوی است که دیگر گویش‌های ناشناخته مانند لوسیتانی آغازین، سیسل آغازین، تراکی^۸ آغازین، آلبانی پیش از عصر آغازین (شاید ایلیری آغازین^۹) و غیره را در بر می‌گیرد.

نظریه سه مرحله‌ای شرح می‌دهد که چگونه زبان هندواروپایی را می‌تواند به سه مرحله تاریخی یا لایه اصلی تقسیم کرد. البته، برخی هندواروپایی‌شناسان در آثارشان احتمال بازسازی اصل متقدم‌تر هندواروپایی را نیز داده‌اند:

۱- مرحله یک یا هندواروپایی یک، نیای فرضی زبان‌های هندواروپایی دو و احتمالاً قدیمی‌ترین مرحله زبانی است که با استفاده از زیانشناسی تطبیقی می‌توان آن را بازسازی کرد.

۲- حومین مرحله به پیش از جدایی شاخه آناتولی آغازین بر می‌گردد که زبانی مشترک داشتند. این مرحله را هندواروپایی دو یا میانه می‌نامند. البته، عده‌ای به جای آن اصطلاح هند و هیتی را به کار می‌برند. این مرحله در چهارچوب فرضیه‌های مربوط به این دوره با فرهنگ اولیه کورگان، تطبیق می‌کند. همه دانشمندان هندواروپایی‌شناس چنین می‌پندارند که آناتولی اولین گویشی است که از هندواروپایی پدید آمده است.

۳- نیای مشترک زبان‌های آغازین هندواروپایی را معمولاً هندواروپایی متأخر یا مرحله سوم می‌نامند. گویشوران جوامع پیش از تاریخ این دوره با فرهنگ یمن یا فرهنگ گور چاله‌ای واقع در استپ‌های پونتیک

ⁱ. Trace

ⁱⁱ. گاه زبان‌هایی چون وتیک، لیپورنی، فریجی، تراکی، مقدونی، ایلیری، مسایی، لوسیتانی و غیره معمولاً زبان‌های ناپیوسته یا مخروبه نامیده می‌شوند؛ چراکه ما فقط موارد ناچیزی از آنان در اختیار داریم.

همخوانی دارند. گویشوران آناتولی آغازین احتمالاً با جوامع فرهنگ میکوپ همخوانی داشتند. هندواروپاییان بیشترین پیوند را با شاخه نژادی اورالی داشته‌اند. زبان‌های اورالی امروزه در شمال اروپا و سیبری تکلم می‌شود. یکی از شاخه‌های جنوبی آن ماگیار^۱ در مجارستان است که در سده دهم در این منطقه مسکن گزیدند. زبان‌های هندواروپایی با زبان‌های قفقازی نیز ارتباط داشته‌اند. این ارتباط منجر به این شده است که چنین گمان برند، زیستگاه قبایل هندواروپایی در قفقاز نزدیک ارمنستان و شاید در شرق آناتولی بوده باشد. اما وامگیری‌های زبانی و شواهد در مورد زیستگاه هندواروپاییان در قفقاز و شرق آناتولی ضعیف است.^{۱۸}

شاخه‌های زبانی هندواروپایی

ژرمنی

ژرمنی سومین شاخه از زبان‌های هندواروپایی است که از این خانواده جدا شد و مسیر مهاجرت آنان از پونت-کاسپ به سوی دشت‌های شمالی اروپا بوده است.^{۱۹}

زبان‌های ژرمنی یکی از شاخه‌های خانواده زبانی هندواروپایی هستند که انگلیسی و آلمانی از بزرگترین زبان‌های این شاخه محسوب می‌شود. زمان ورود قبایل ژرمن در تاریخ به اواخر سده اول پ.م. بر می‌گردد که ملل ژرمنی زبان در نروژ امروزی، سوئد و باریکه اروپای شمالی از فلاندر تا ویستولا سکونت داشتند.^{۲۰} از دیگر زبان‌های مهم این شاخه، برخی زبان‌های ژرمنی سفلی (مانند هلندی)، و زبان‌های اسکاندیناوی (دانمارکی، نروژی و سوئدی) است. نیای مشترک این زبان‌ها، ژرمنی آغازین بوده که احتمالاً در نیمه هزاره اول پیش از میلاد در عصر آهن در شمال اروپا به کار می‌رفت. جدایی شاخه ژرمنی از نیای خود یعنی هندواروپایی آغازین حدود ۲۰۰۰ پ.م. صورت گرفت. ژرمنی همراه با فرزنداناش، دارای تعدادی از ویژگی‌های خاص زبانشناسی است. مهمترین تغییرات همخوانی در این شاخه به قانون گریم مشهور است. قانون گریم اولین تغییرات آوایی در زبان ژرمنی است که در آن بستواج‌های هندواروپایی آغازین در ژرمنی آغازین در هزاره اول پیش از میلاد دستخوش دگرگونی می‌گردند و یک سری تشابهات عادی بین سایشی و بستواج‌های ژرمنی آغازین با همخوان‌های بستواج برخی زبان‌های هندواروپایی (این قانون در یونانی و لاتین نیز کاربرد داشت) صورت می‌گیرد. روی هم رفته، قانون گریم شامل سه بخش است: الف- بستواج‌های بیواک هندواروپایی آغازین در ژرمنی آغازین به سایشی‌های بیواک. ب- بستواج‌های واکدار در ژرمنی آغازین به بستواج‌های بیواک. ج- بستواج‌های دمیده واکدار هندواروپایی آغازین در ژرمنی آغازین دمیدگی خود را از دست داده و به بستواج‌های واکدار تبدیل می‌شوند.

گویش‌های اولیه ژرمنی مربوط به اقوامی است که از سده دوم میلادی در شمال اروپا در امتداد مرزهای

^۱. Magyar

امپراتوری روم ساکن شدند اولین شواهد زبان ژرمنی در مورد اسامی است که تاکیدوس در اول میلادی آورده است. از سده دوم میلادی گویشوران ژرمنی، الفبای رونی^۱ را گسترش دادند. دست‌نوشته‌های اولیه رونی در ابتدا عمدتاً محدود به اسامی اشخاص می‌شد که تعبیر و تفسیر آنان مشکل است. زبان گوتی با الفبای گوتی را اسقف اولفیل در ترجمه کتابش از کتاب مقدس در سده چهارم میلادی رواج داد. بعدها کشیش و راهبه‌های مسیحی که علاوه بر زبان بومی ژرمنی به لاتین می‌خواندند و سخن می‌گفتند، با حروف اصلاح شده لاتین هم شروع به نوشتن زبان‌های ژرمنی کردند اما در اسکاندیناوی الفبای رونی در سراسر دوره وایکینگ‌ها^{۱۱} باقی ماند. گویشوران زبان‌های گوناگون ژرمنی علاوه بر نشانه‌های تکیه‌ای، اوملات و حروف خاص رونی را هم به کار بردند.^{۲۱}

اما تقسیم‌بندی و گروه‌بندی شاخه‌های زبانی آلمانی بر پایه شواهد و اسناد زبانی به قرار زیر است:

- ۱- ژرمنی شرقی: گوتی (۳۵۰-۱۶۰۰ میلادی)،
- ۲- ژرمنی شمالی: رونی (۳۰۰-۱۷۰۰ میلادی)؛ نورس؛ نورس آغازین (۳۰۰-۷۰۰ میلادی)، نورس باستان (۷۰۰-۱۳۵۰ میلادی)
- ۳- ژرمنی غربی: آلمانی؛ آلمانی معیار باستان (۷۵۰-۱۰۵۰ میلادی)، آلمانی معیار میانه (۱۰۵۰-۱۳۵۰ میلادی)، آلمانی معیار نو (۱۳۵۰ میلادی)
- ۴- هلندی؛ هلندی باستان (۱۱۵۰ میلادی)، هلندی میانه (۱۱۵۰-۱۵۰۰ میلادی)، هلندی نو (۱۵۰۰ میلادی)
- ۵- انگلیسی: انگلیسی باستان (۷۰۰-۱۱۰۰ میلادی)، انگلیسی میانه (۱۱۰۰-۱۴۵۰ میلادی)، انگلیسی نو (۱۴۵۰-۲۳).

ایتالی یا رومانس

ایتالی نامی داده شده به لاتین و زبان‌هایی است که رابطه بسیار نزدیکی با هم دارند. زبان‌های رومانس یا ایتالی شاخه‌ای از زبان هندواروپایی هستند که همه زبان‌های منشعب از لاتین را در بر می‌گیرد. زبان لاتین، زبان رسمی امپراتوری روم بوده است. زبان‌های رومانس در دنیا حدود ۸۰۰ میلیون گویشور دارد که اساساً در آمریکا، اروپا، آفریقا و نیز بسیاری مناطق پراکنده کوچک در دنیا را در بر می‌گیرد. بزرگترین زبان‌های این شاخه اسپانیایی (۴۰۰ میلیون) و پرتغالی (۲۰۰ میلیون) است. در اروپا، فرانسوی (۸۰ میلیون) و ایتالیایی (۷۰ میلیون)

^۱ الفبای رونی مجموعه الفباهایی است که پیش از این برای نوشتن زبان‌های ژرمنی به ویژه اسکاندیناوی و جزیره بریتانیا به کار می‌رفتند. گونه‌های آن به عنوان یک نظام نوشتاری باستانی در نظر گرفته می‌شدند که در شمال اروپا کاربرد داشت و در اسکاندیناوی به آن فوت‌هارک می‌گفتند.

^{۱۱} نام وایکینگ برگرفته از یک واژه اسکاندیناوی محلی برای جنگجویان نورسی بوده که سواحل اسکاندیناوی، جزایر بریتانیا و بخش‌هایی از اروپا را از سده هشتم تا یازدهم مورد تاخت و تاز قرار دادند.

میلیون) از بزرگترین زبان‌های این شاخه است. همه زبان‌های رومانس از لاتین عامیانه، زبان سربازان، ساکنین و برده‌های امپراتوری روم مشتق شده‌اند که اصولاً با لاتین ادبی کلاسیک تفاوت دارد.^{۲۳}

از زبان ایتالی یا رومانس شواهدی موجود است و به شرح زیر هستند:

لاتین-فالیسکان

۱- لاتین: لاتین باستان (۶۲۰-۸۰ پ.م)، لاتین کلاسیک (۸۰ پ.م- ۱۲۰ میلادی)، و لاتین متأخر (۱۲۰-۱۰۰۰ میلادی).

۲-فالیسکان (۶۰۰-۱۰۰ پ.م).

۳-اوسکان-اومبری الف-اسکان (۵۰۰-۱ پ.م)، ب-اومبری (۳۰۰-۱ پ.م).^{۲۴}

اسلاوی

زبان‌های اسلاوی (اسلاوونیک نیز نامیده می‌شود) گروهی از زبان‌های خویشاوند اقوام اسلاوی هستند که زیر شاخه خانواده زبان‌های هندواروپایی به شمار می‌آیند. گویشوران این شاخه غالباً در اروپای شرقی، بسیاری از مردم بالکان، بخش‌هایی از اروپای مرکزی و بخش شمالی آسیا زندگی می‌کنند. بزرگترین زبان‌های این شاخه روسی (۱۶۵ میلیون) و لهستانی (۴۷ میلیون) است. هنوز بحث بر سر این موضوع هست که آیا اسلاوی پیش از دوره آغازین مسقیماً شاخه‌ای از هندواروپایی آغازین بوده یا اینکه ابتدا در سال‌های پیش از ۱۰۰۰ پ.م، گذر از مرحله اسلاوی-بالتی داشته است و سپس به مرحله بعدی رسیده است.^{۲۵}

نخستین زیستگاه تاریخی آنان در نیمه هزاره اول پ.م، با غرب و مرکز اوکراین، و بخش‌های مجاور لهستان تطبیق می‌کند. اسلاوها در این زیستگاه با ژرمنی‌زبان‌ها (گوت‌ها) و ملل ایرانی‌زبان (سکایی، سرمتی و آلان) آمیخته شده و تشکیل ملت واحدی را دادند. با یورش هون‌ها به سرکردگی آتیلا خلع قدرتی در جنوب شرقی و مرکز اروپا ایجاد شد که اسلاوها در شمار زیادی به سمت جنوب کارپتی‌ها به حرکت در آمدند و در بالکان تا یونان مستقر شدند. آنها به سمت غرب حرکت کرده و تا شمال و شرق البه^{۱۱} سفلی به سمت روسیه اروپایی امروزی پیش رفتند که در آنجا بالتی‌ها و اورالی‌ها سکونت داشتند.^{۲۶}

تقسیم‌بندی شاخه‌های اسلاوی به ترتیب زیر است:

۱-اسلاوی جنوبی؛ اسلاوی کلیسای کهن (۸۰۰ میلادی)، مقدونی (۱۷۹۰ میلادی)، بلغاری؛ بلغاری کهن (۹۰۰-۱۱۰۰ میلادی)، بلغاری میانه (۱۱۰۰-۱۶۰۰ میلادی)، بلغاری نو (۱۶۰۰ میلادی)؛ صرب و کروات (۱۱۰۰ میلادی)؛ اسلونی (۱۰۰۰ میلادی)

۲-اسلاوی شرقی؛ روسی باستان (۱۰۰۰-۱۶۰۰ میلادی)، روسی (۱۰۰۰ میلادی)، بلاروسی (۱۶۰۰

^۱ در کنار فرانسوی، ایتالیایی، پرتغالی، رومانیایی و اسپانیایی می‌توان از کاتالان، گالیسی، جریاس، اوکیتی، ساردینی به عنوان زیر شاخه‌های لاتین یاد کرد.

^{۱۱} Elbe

میلادی)، اوکراینی (۱۶۰۰ میلادی)

۳- اسلاوی غربی؛ لهستانی (۱۲۷۰ میلادی)، چک (۱۱۰۰ میلادی)، اسلواک (۱۱۰۰ میلادی)^{۳۷}.

بالتی

بسیاری از آثار باستان‌شناسی مهم در کشورهای بالتی‌نشین و روسیه پیش از جنگ جهانی اول یافت شده است، با وجود این، آثار بیشمار دیگری هم بین جنگ جهانی اول و دوم از دل خاک بیرون آمده است^{۳۸}. زبان‌های بالتی، یک شاخه از زبان هندواروپایی هستند که در محدوده وسیعی از شرق و جنوب شرقی دریای بالتیک در شمال اروپا رایج بودند. این زبان به دو گروه بالتی غربی شامل پروسی یا گالیندن که منسوخ شده و بالتی شرقی شامل لتونی و لیتوانی تقسیم می‌شود. زبان منسوخ پروس باستان اکنون به عنوان قدیمی‌ترین زبان بالتی به شمار می‌آید^{۳۹}.

زبان بالتی را می‌توان به ترتیب زیر گروه‌بندی کرد:

۱- بالتی غربی؛ پروس باستان (۱۵۴۵ - ۱۷۰۰ میلادی)

۲- بالتی شرقی؛ الف- لتونی (۱۵۱۵ میلادی)، ب- لیتوانی (۱۵۵۰ میلادی)

سلتی

زبان‌های سلتی از سلتی آغازین، شاخه‌ای از خانواده زبان‌های هندواروپایی آمده‌اند. در هزاره اول پ.م، به ویژه بین سده پنجم و دوم پ.م، این زبان در سراسر اروپا از جنوب غربی شبه جزیره ایبری و دریای شمال، علیا راین و دانوب سفلی تا دریای سیاه و علیا شبه جزیره بالکان و آسیای صغیر (گالاتیا) و حتی آناتولی رایج بوده است. زبان‌های سلتی اکنون محدود به تعداد کمی ناحیه در جزایر بریتانیا و شبه جزیره بریتانی در فرانسه می‌شود.

تجزیه زبان سلتی به زیرشاخه‌های مختلف احتمالاً در حدود ۱۰۰۰ پ.م، صورت گرفته است. سلت‌های اولیه از نظر باستان‌شناسی با فرهنگ اورنفیلد^۱، لاتنه^۲ و هالشتات ارتباط دارند. نوع کاربرد عالمانه زبان‌های سلتی به علت فقدان منابع اولیه، بحث‌برانگیز است. برخی دانشمندان قائل به دو گروه سلتی قاره‌ای و جزیره‌ای هستند و دلیل می‌آورند که تفاوت‌های بین زبان‌های گایدلی و بریتونی ناشی از جدایی‌شان بعد از انشعاب از زبان‌های سلتی قاره‌ای است.

در هر حال، هیچ گمانی نیست که زبان‌های سلتی قاره‌ای از یک نیای سلتی قاره‌ای آغازین مشترک آمده باشند. در الگوی قاره‌ای و جزیره‌ای، معمولاً سلتیبری را به عنوان اولین شاخه انشعاب یافته از سلتی آغازین در نظر می‌گیرند و مابقی گروه بعدها به گالی و سلتی جزیره‌ای تقسیم شده‌اند.

ⁱ. urnfield

ⁱⁱ. Tène

ایتالی و سلتی فرضیه‌ای است که گویش‌های سلتی و ایتالی را از یک نیای مشترک ایتالی و سلتی آغازین، مرحله‌ای بعد از هندواروپایی آغازین می‌داند؛ چونکه هم سلتی آغازین و هم ایتالی آغازین، تاریخی مربوط به اوایل عصر آهن دارند (سده‌ها پیش و بعد از ۱۰۰۰ پ.م)؛ زمانی احتمالی در مورد دوره‌ای فرضی از پیوند زبانی که در اوایل تا نیمه هزاره دوم پ.م در اواخر عصر برنز بوده است. یک چنین تقسیم‌بندی را میه^۱ (۱۸۹۰) و کورتلند^۲ (۲۰۰۸) مورد حمایت قرار داده‌اند.^۳ شواهد زبانی از سلتی را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- سلتی قاره‌ای:

الف- گالی (۲۲۰- ۱ پ.م)، ب- لیونتی (۶۰۰- ۱۰۰ پ.م)، پ- ایبرو-سلتی (۲۰۰- ۱ پ.م).

۲- سلتی جزیره‌ای:

بریتانیایی باستان (۱- ۶۰۰ میلادی)

ولشی: الف- ولشی آغازین (۶۰۰- ۹۰۰ میلادی)، ب- ولشی باستان (۹۰۰- ۱۲۰۰ میلادی)، پ- ولشی میانه (۱۲۰۰- ۱۵۰۰ میلادی)، ت- ولشی نو (۱۵۰۰)

کورنوالی : کورنوالی باستان (۸۰۰- ۱۲۰۰ میلادی)، کورنوالی میانه (۱۲۰۰- ۱۵۷۵ میلادی) ، کورنوالی متأخر (۱۵۷۵- ۱۸۰۰ میلادی)

بریتون : الف- بریتون آغازین (۶۰۰- ۵۰۰ میلادی)، ب- بریتون باستانی (۶۰۰- ۱۰۰۰ میلادی)، پ- بریتون میانه (۱۰۰۰- ۱۶۰۰ میلادی)، ت- بریتون نو (۱۶۰۰ میلادی)

ایرلندی: الف- ایرلندی اوگام (۴۰۰- ۷۰۰ میلادی) ، ب- ایرلندی باستانی (۷۰۰- ۹۰۰ میلادی)، پ- ایرلندی میانه (۹۰۰- ۱۲۰۰ میلادی)، ت- ایرلندی نو (۱۲۰۰ میلادی).

یونانی

یونانی برای کاربرانش با عنوان Eliniki (این واژه از Hellenike یونانی باستان مشتق شده است) شناخته می‌شود. این واژه از نام بومی برای کشور به عنوان Hellas یا Elladha شکل گرفته است. اصطلاح سستی برای یونان (نام یونانی از قوم ایونی باستان گرفته شده است) در قرون وسطی و دوران معاصر، رومیکی Romaiki بود که بعدها زبان امپراتوری روم باستان شد.

اصطلاح Greek هم از لاتین Graecus, Graeci و یونانی Grakoi می‌آید که در اصل آن را ایبریان برای دوری‌های اپیروس به کار می‌بردند. نظریه دیگری هم هست که گوید از Graikhos به معنی ساکنان گرایا (خاکستری)، می‌آید.^۳

زبان یونانی (هلنی) یکی از زبان‌های خانواده هندواروپایی است که اسناد تاریخی ۳۵۰۰ ساله دارد و امروزه

ⁱ. Meillet

ⁱⁱ. Kortland

این زبان در یونان، قبرس، یوگسلاوی سابق و به ویژه مقدونیه در جمهوری یوگسلاوی سابق، بلغارستان، آلبانی و ترکیه به کار می‌رود. یونانی به الفبای یونانی نوشته شده است. اولین الفبای اصلی آن مربوط به سده نهم پ.م، می‌شود و پیش از آن خط طولی "ب" و هجاهای قبرسی را به کار می‌بردند. ادبیات یونانی، دارای روایات ارزشمند و پرحجم است.

زبان یونانی از هزاره دوم پ.م در شبه جزیره بالکان تکلم می‌شده است. اولین مدارک از این زبان به خط طولی "ب" و به تاریخ ۱۵۰۰ پ.م است که از کاخ‌های مقدونیه، سرزمین اصلی یونان و کرت آمده است. الفبای یونانی متأخر نیز به خط طولی "ب" و با اندک اصلاحاتی از الفبای فینیقی گرفته شده و هنوز مورد استفاده است.^{۳۳} متون به خط طولی "ب" نوشته شده و به جای واج، هجایی هستند و روی هم رفته، اسناد اداری هستند که درباره مخارج قصر در اواخر عصر برنز یونان هستند.^{۳۴}

زبان یونانی را می‌توان به لحاظ زمانی به شرح زیر گروه‌بندی کرد:

۱- مقدونی (۱۳۰۰ - ۱۱۵۰ پ.م)

۲- یونانی: یونانی باستان (۸۰۰ - ۴۰۰ پ.م)؛ یونانی هلنی (حدود ۴۰۰ پ.م - ۴۰۰ میلادی)؛ یونانی بیزانسی (۴۰۰ میلادی - ۱۵۰۰ میلادی)؛ یونانی نو (۱۵۰۰ میلادی).^{۳۵}

ارمنی

یکی از زبان‌های مجزا و منفرد هندواروپایی است که در شمال شرقی آسیای صغیر جای دارد و مردم ارمنستان با پذیرش مسیحیت در نخستین سال‌های سده چهارم میلادی وارد صحنه تاریخی شدند.^{۳۶} زبان و فرهنگ ساکنان پیش از ارمنیان، یعنی اورارتوها آمیزه‌ای از خوری، هیتی، آرامی، آشوری بود. ترکیبی از این فرهنگ و زبان‌ها با وجود آنکه آنان اصلی هندواروپایی داشتند، منجر به تشکیل فرهنگ و زبان ارمنی شد.^{۳۷}

همان‌ا، زبان ارمنی یکی از زیرشاخه‌های مستقل خانواده هندواروپایی است که در جمهوری ارمنستان تکلم می‌شود. ارمنیان این زبان را نیز در دوره پراکندگی به کار می‌بردند. ارمنیان را از خویشاوندان نزدیک فریجیان می‌پندارند. زبان ارمنی ظاهراً بیشترین ارتباط را با یونانی نو و مرز همگویی بسیار مشترکی با آن دارد. بنابراین برخی زبانشناسان تصور کرده‌اند که اجداد یونانیان و ارمنیان از نظر زبانی یا همسان و یا نزدیک به هم بوده‌اند. اولین شواهد زبان ارمنی مربوط به سده پنجم میلادی و ترجمه کتاب مقدس از مسروب مشتوتس^۱ بر می‌گردد. تاریخ اولیه زبان ارمنی آشکار نیست و بسیار مبهم است. بدیهی است که این زبان جزء خانواده هندواروپایی، اما تحولش، تیره و تار است. فرضیه یونانی-ارمنی بر این باور است که این زبان با یونانی ارتباط نزدیکی دارد که هر دو را گاه در گروه زبان‌های بالکانی دیرینه قرار می‌دهند- به طور شاخص با زبان فریجی که به عنوان زبان هندواروپایی پذیرفته شده و پیوند نزدیکی با یونانی و گاه با مقدونی باستان

^۱ Mesrob Mashtots

دارد- و با گفته هروdot که ارمنیان را به عنوان یکی از مستعمرات فریجی می‌داند، همخوان است. در هر حال، زبان ارمنی وام‌واژه‌های بسیاری دارد که حاکی از ارتباط طولی‌المدت این زبان با زبان‌های خوری-اوررتویی، یونانی و ایرانی است و در واقع، زبان ارمنی حاصل زبان هندواروپایی و نخستین ساکنان آن منطقه بوده است.^{۳۷} فرضیه‌ای هم بود که زبان ارمنی را زیرشاخه ایرانی می‌دانست، اما در سال ۱۸۷۸ هاینریش هوبشمان آن را زبانی مستقل از هندواروپایی دانست.^{۳۸} این احتمال وجود دارد، وامگیری گوناگون واژه‌ها از ایرانی و یونانی در دوره‌های اوررتویی (پیش از سده ششم پ.م)، هخامنشی (سده ششم تا چهارم پ.م؛ فارسی باستان)، هلنی (سده چهارم تا دوم پ.م؛ یونانی عام)، و پارتی (دوم پیش از میلاد تا سوم میلادی؛ فارسی میانه) روی داده باشد. البته باید یادآور شد که از زمان اشکانیان به بعد واژگان ارمنی با واژه‌های اشکانی و یونانی آمیزه می‌شود.^{۳۹}

تُخاری (شرقی‌ترین زبان هندواروپایی)

در پایان سده نوزدهم (۱۸۹۲)، هیات اعزامی به زینجیانگ چین، در دورترین نقطه غربی ایالت چین، شروع به کاوش درباره زبان ناشناخته تُخاری کرد.^{۴۰} اسناد آن به تاریخ سده پنجم میلادی هستند که پس از آن، یک گویش ترکی به نام اویغوری تا سده سیزدهم جانشین آن شد. حدود ۳۶۰۰ سند به تُخاری وجود دارد، اما بسیاری از آنان در قطعات بسیار کوچک و نامناسب باقی مانده‌اند. این اسناد نخست ترجمه‌هایی از متون بودایی یا هندی و گزارش‌های نظام مالی یا مسیرهای کاروانی بودند.^{۴۱} آنتونی بر این باور است که تُخاری دومین شاخه‌ای است که از خانواده هندواروپایی جدا شد و حرکت آنان از استپ‌های پونت-کاسپ به سوی شرق در شمال غرب چین در تیان شان یا کوه‌های آلتایی بود.^{۴۲} همان‌گونه که آمد، گمان بر این است تُخاری آغازین پس از شاخه آناتولی دومین شاخه است که از خانواده هندواروپایی جدا شد.^{۴۳}

زبان‌های آناتولی

زبان آناتولی شامل گروهی از زبان‌های منسوخ هندواروپایی می‌شود که در آسیای صغیر به کار می‌رفتند. بهترین نمونه این گروه، زبان هیتی می‌باشد. شاخه آناتولی، جزء اولین گروه‌هایی بود که از هندواروپایی آغازین جدا شد. این مرحله که برای آن تاریخ اواسط هزاره چهارم پ.م را در نظر می‌گیرند، یا مربوط به مرحله هندواروپایی میانه (دو)، و یا هندوهیتی است. در فرضیه کورگان، دو احتمال درباره چگونگی راه یافتن نخستین گویشوران آناتولی به ناحیه آناتولی یکی از شمال قفقاز و دیگر غرب بالکان وجود دارد.^{۴۴} همه نتایج مطالعات زبان‌شناسی حاکی از این است که شاخه پیش-آناتولی نخستین شاخه‌ای بود که از این خانواده جدا

ⁱ. koine

ⁱⁱ. در مورد زبان و دستور ارمنی نک:

Heinrich Hubschmann, 1962. Armenische Grammatik. Verlagsbuchhandlung Hildesheim

زبان‌های شاخهٔ آناتولی به دو گروه هیتی-پالایی و آناتولی جنوبی-غربی تقسیم می‌شوند:
هیتی-پالایی.

هیتی: هیتی باستان (۱۵۷۰-۱۴۵۰ پ.م)؛ هیتی میانه (۱۴۵۰-۱۳۸۰ پ.م)؛ هیتی نو (۱۳۸۰-۱۲۲۰ پ.م).

پالای (؟-۱۳۰۰ پ.م)

آناتولی جنوبی-غربی

لووی: لووی میخی (۱۶۰۰-۱۲۰۰ پ.م)؛ لووی هیروگلیف (۱۳۰۰-۷۰۰ پ.م)

لیسیه (۵۰۰-۳ پ.م)

میلیان (۵۰۰-۳۰۰ پ.م)

کاریه (۵۰۰-۳۰۰ پ.م)

لیدی (۵۰۰-۳۰۰ پ.م)

سیدتی (۲۰۰-۱۰۰ پ.م)

پیسیدی (۱۰۰ میلادی-۲۰۰ میلادی)^{۲۶}

هیتی

هیتیان در یک دوره مهم از تاریخ بشری در اواخر عصر آهن بر آسیای صغیر فرمانروایی داشتند.^{۲۷} هیتیان مردمی هندواروپایی بودند که از سده هجدهم تا دوازدهم پ.م، کنترل آسیای صغیر را به دست گرفتند. آنها در آناتولی باستان و ترکیه کنونی منزلگاه داشتند و دوران شکوفایی آنان بین سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۲۰۰ پ.م، بود که در طی آن نقش سیاسی مهمی در خاور نزدیک باستان داشتند. در تاریخ نخستین فرمانروایی‌شان، آنان بر این تلاش داشتند تا کنترل تجارت افزارهای فلزی را در دست گیرند.

شاه خوشیلی اول (حدود ۱۶۵۰-۱۶۲۰ پ.م) شهر ختوشه^۱ را در شمال مرکزی آناتولی ساخت و نام خود را بر این شهر گذاشت. روی هم رفته، تاریخ هیتی به سه دوره تقسیم می‌شود: پادشاهی باستان (۱۷۰۰-۱۵۰۰ پ.م)، پادشاهی میانه (۱۵۰۰-۱۴۳۰ پ.م) و پادشاهی نو (۱۴۳۰-۱۱۸۰ پ.م). اولین شاه هیتی که نامش در اسناد تاریخی آمده است، خوشیلی اول که قلمرواش را تا سوریه گسترش داد و بابل را فتح کرد و به حکومت خاندان اخلاف خَموربی پایان داد. ۷۰ سال بعد تیلیپنوس (۱۵۲۵-۱۵۰۰ پ.م) قدرت را از میان سایر افراد خاندان ربود و بر تخت نشست و سلطه آنان تا دریای مدیترانه و مرزهای مصر رسید. شهرت هیتیان به واسطه ساختن ابزارآلات و جنگ‌افزارهای آهنی و فروش آنان است. هیتیان بواسطه ارتباط با تمدن‌های میانرودانی، فرهنگ بابلی را نیز اقتباس کردند. آنان در طی گسترش قلمرو با شاهنشاهی مصر

^۱. Hattuša

درگیر شدند که جنگ با رامسس دوم (۱۲۷۹-۱۲۱۳ پ.م) در کادش بر رودخانه اورنتیس و ضعف دو طرف را در پی داشت و در سال ۱۱۹۳ پ.م، مهاجمانی به نام ملل دریا به هیتیان یورش بردند (در مقابل شماری ملل دریا را همان هیتیان پندارند). این یورش باعث فروپاشی آنان شد و تا ۷۰۰ پ.م، تنها دولت کوچکی را تشکیل دادند.^{۲۸}

	-a	-e	-i	-u
θ-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
b-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
p-	𐎠	𐎡		𐎣
d-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
t-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
g-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
k-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
q-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
h-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
r-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
l-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
m-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
n-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
j-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
y-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
s-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
z-	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣

p/bal	𐎠	tir	𐎢
p/bar	𐎠	t/diš	𐎢
paš	𐎠	tīs	𐎢
pád/t	𐎠	túh	𐎢
p/bil	𐎠	túl	𐎢
pir	𐎠	t/dum	𐎢
p/biš	𐎠	t/dub/p	𐎢
pid/t	𐎠	t/dur	𐎢
p/bur	𐎠	gal	𐎢
pūs	𐎠	k/gal	𐎢
t/daḫ	𐎠	k/gam	𐎢
t/dag/k/q	𐎠	k/gán	𐎢
t/dal	𐎠	k/gab/p	𐎢
t/dam	𐎠	kar	𐎢
t/dan	𐎠	k/gaš	𐎢
t/dab/p	𐎠	k/gad/t	𐎢
tar	𐎠	gaz	𐎢
t/dás	𐎠	kib/p	𐎢
tàs	𐎠	k/gir	𐎢
tén	𐎠	kiš	𐎢
t/dim	𐎠	kid/t	𐎢
tin	𐎠	kul	𐎢
dir	𐎠	k/gul	𐎢

a-	c/i-	u-
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢
𐎠	𐎡	𐎢